

موتضی مدرسی چهاردهی

رسالت ادبی و حید دستگردی

شادروان و حید دستگردی استاد ادب بود ، به ادبیات عرب و فارسی آشنا بود و صاحب نظر بشمار میرفت ؛ قصیده‌های بزبان عربی دره‌رگگ ادیب - الممالک سرود که در ارمغان بچاپ رسید .

چون سال‌ها در نزد اساتید اصفهان درس خوانده و مباحثه‌ها کرده بود از طلبه‌های فاضل حوزه علمی اصفهان بشماره میرفت ، هنگامی که در اثر حوادث و اتفاقات ناگوار سیاسی و اجتماعی بتهران آمد ، شمع ادبیات معاصر شناخته شد ، تنی چند از دوستان ادب به نزد وی شتافتند ، درخواست تدریس فنون و علوم ادبی از او نمودند ، چون در نزد ادیبان و شاعران اصفهان معروف بود که وحید کتاب «مطول را در حوزه‌های آن دیار خوب درس می‌گفت . کتاب مطول (۱) مهمترین کتاب در علوم ادبی ، معانی ، بیان ، بدیع

۱- تفتازانی - سعدالدین مسعود بن عمر بن عبدالله هروی شافعی خراسانی شاگرد قطب الدین رازی و قاضی عضدایجی صاحب تهذیب در منطق و مقاصد در علم کلام و شرح شمسیه و مطول و شرح بر تصریف عبدالوهاب بن ابراهیم زنجانی و چند کتاب دیگر ، از اشعار او است که در جمع اضداد اللغه گفته : ده لفظ از نوادر الفاظ بر شمر = هر لفظ را دو معنی و آن ضد یکدیگر = (سیاه و سفید) (صبح و شام) (ضیاء صبح و ظلمت) جون و مصریم و سدفه «شک و یقین» «زیاد و کم» «وصل و فراق» «طهر و حیض» «خفته و بیداری» «کوچک و بزرگ» «فراز و نشیب» و هاجد و جمل و رهوادی یسر .

وفاتش در سال ۷۹۲ و قبرش در سرخس است ، تفتازان روستای بزرگی از نساء است و نسا مابین سرخس و خراسان است .

هدیه الاحباب تألیف محدث قمی چاپ نجف .

زبان عربی است ، استادان بنام ده‌ها حاشیه دقیق بر آن نوشته‌اند ، بعضی از آن حواشی با اصل کتاب یا جداگانه در اسلامبول ، تهران ، مصر ، هند ، پاکستان بارها چاپ شده است ، از زمان تألیف تفتازانی کتاب مزبور تا کنون از معتبرترین کتابهای علمی ادبیات است ، براستی دقیق‌ترین و پرمایه‌ترین کتاب در فنون ادبی محسوب میشود ، مطول کتاب درسی است نه مطالعه‌ای ، دانش پژوهی که کتاب مطول را در نزد استاد درس نخوانده باشد با مطالعه نمیتواند از آن بهره‌مند گردد . مراد استادان ادب را نمی‌تواند درک نماید . (۱)

وحید مطول را برای عاشقان ادبیات درس می‌گفت ، نکته‌های دقیق ادبی را با شاهدهایی از اشعار عربی و فارسی بیان میداشت ، کم‌کم ذوق ادبی را در شاگردان بیدار ساخت ، آنان را صاحب ملکات فنون ادبی نمود .

این رشته از تدریس‌ها بمراتب بالاتر از حضور در انجمن ادبی بود ، دیگر از کارهای شادروان وحید دستگردی پرورش و آموزش تنی چند از نو-شاعران بود ، اشعارشان را با استاد سخن معاصر عرضه میکردند ، وی هم بسا نهایت دقت ، در کمال انصاف اشعار را درست مینمود ، چه بسا بیتی یا ابیاتی از شعرشان را خط می‌کشید و بزرگوارانه شعری خود میسرود و بجای آن کلمات ناموزون یا نامفهوم میگذاشت ! بروی خود نمی‌آورد که من این را سروده‌ام ! آن نوجوان یا شاعر تازه‌کار در برابر بزرگ منشی استاد تسلیم و ادب فرود می‌آورد ، خواه ناخواه در گروه شاگردانش بشمار میرفت ،

۱- بخشی از فصل‌های کتاب مطول را در دوره‌های دکترای ادبیات دانشگاه درس

می‌گفتند و در مشهد شادروان ادیب نیشابوری استاد مطول و مغنی بود .

تصرفات او در اشعار شعرای معاصر مانند يك سرمشق ادبی بود ، مورد استفاده همه میشد ، از گروه شاعران و ادیبانی که ساخته‌های نظمى و شعرى خود را بوى عرضه مى کردند ، کسی نبود که خودش را از تصرفات او بی‌نیاز بیند . در عین حال مشوق بسیار خوبی بود .

در سفر همدان با تنى چند از ادیبان و شاعران آن دیار از نزدیک آشنا شد ، اشعار شعرای انجمن ادبی آنجا را که بوى عرضه میکردند ، آنچه را که شایسته اصلاح یا درست بود پس از ملاحظه و دقت در مجله ارمغان چاپ مینمود ، بیشتر اشعار اعضای انجمن ادبی همدان از نظر دقیق او گذشت ، آثارشان را برای تشویق در ارمغان چاپ کرد ، تنها اعضاى انجمن حکیم نظامی نبودند که ملکه ادبی را وحید در آنان پرورش داد اشعارشان را درست مینمود و براهشان انداخت .

آنان خرسند بودند که اشعارشان مورد توجه استاد ادب قرار گرفت ، در ارمغان منتشر گشت ، کسانی که درباره تاریخ انجمن‌های ادبی مقاله یا رساله‌ای می‌نویسند ، خوب است محصول کار انجمن‌ها را نشان دهند تا همه دوستان ادب بدانند که ارزش ادبی آثارشان چیست ؟ !

چه اثرات اجتماعى داشته و دارند ؟ !

دوره‌های مجله ارمغان پر است از اشعار و چکامه‌های نغز شاعران و ادیبان همدان ، بعضی از آنها پهلو به شعر شاعران مقیم تهران میزند ! این هم از همت و بلند نظری مرحوم وحید بود .

جلسه‌های ادبی وی که هفته‌ای يك یا دوبار تشکیل میشد ، صحبت از ادب و ادبیات بود ، نقد سخن بود ، همی دریغ میخورد که گوهر فروشان ناشناس گوهر را با خر مهره برابر نهادند !

دریغاکه اینک خرمهره را از گوهر برتر شناسند!

او دوستان ، شاگردان خود را از شعر سست ، نامفهوم ، بی‌معنی همی بر حذر میداشت .

استاد نجاتی که حقیقاً یکی از پرورش‌یافتگان مکتب وحید است، مرا گفت: در یکی از جلسه‌های انجمن که شاعران اشعار خود را عرضه با استاد نمودند ، وی هم آنها را با نظر دقیق درست مینمود ، پس از پایان خواندن اشعار حاضران استاد فرمود، حال خوب است شعر استاد را بخوانیم «منظور اشعار حکیم نظامی بود» از قضا ملك الشعراء بهار در جلسه حاضر بود ، فرمود : خودت استادی از اشعارت بخوان . ناچار وحید به خواندن اشعار خود پرداخت ، این‌ها نمونه‌های کوچکی از صفت ممتاز اخلاقی وی بود ، نمیخواست خود را در عرصه جولان قرار دهد!

آری در زمانی که میدید کالای ادب را می‌خواهند آلوده سازند ، با مهمل‌گویی از رونق ادب و ادبیات بکاهند .

کلمات بی‌معنی را که ردیف هم بدون تناسب گذاشته‌اند بنام شعر در معرض افکار عمومی آورند ، در آن هنگامه «هرکه هرکه» بود که مبارزه با یاوه‌گویی‌ها را برای چندمین بار آغاز کرد و سرود :

آن کاوه دومین به پیکار یعنی که وحید اصفهانی

با کاو سر قلم خروشان سرکوفت ز خیل مار دوشان

با مقالات آتشین ارمغان یاوه‌سرایان را از فضای ادبی دور میکرد ، نمیگذاشت ذهن‌ها و ذوق‌ها که با اشعار دلکش و شورانگیز سعدی و حافظ و مولانا پرورش یافته‌اند خراب ، فاسد و تباه گردد ، چون براستی ارمغانش پاسدار ادبیات فارسی بود .

در حفظ قواعد، اصول ادبی کوشش داشت ، میخواست از حریم اساتید سخن بیرون نرود ، از راه و روش استادان ادب تجاوز ننماید .
حفظ اصول و قواعد ادبی را وظیفه و فریضه خود میدانست ، در این امر بسیار جدی و کوشا بود ، ادیب الممالک شاعر هنرمندی بود که شعر مناسب روز می سرود ، مطابق اوضاع و احوال سیاسی زمان شعر میگفت .
وحید هم در این فن از وی پیروی کامل داشت ، بیشتر اشعار او روی مطلب و موضوع خاص سررده میشد در يك مطلب ، يك موضوع را تمام و کمال برشته شعر درمی آورد ، حشش را ادا میکرد ، مطلب را تمام مینمود ، آری استاد هنرمندی بود ، يك مطلب اساسی را میگرفت ، بروش خاصی می سرود ، در کتاب زه آورد وحید سخنان تازه از شوخی و جدی بسیار دارد ، در مبارزه با خرافات بسیار سروده است .

ما هو چیان نژاد کی و دوده جمیم

و از ماتم نژاد کیان شاد و خریم

چون ماه روزه قانع رزق خلایقیم

شوال وار پیش خلایق مکریم

نگاه کنید که استاد سخن و چیره دست مسائل روز را با چه کلماتی سروده دردهای اجتماعی عصر خود را بشیوه نو ، در جامه الفاظ ، بسبک اساتید گفت :

هنوز خواندنی است و تازگی دارد . نموداری است از اوضاع و احوال مردم او آخر دوره قاجاریه !

ادیب الممالک هرچه سروده نواست ، ولی از طنطنه بیرون نرفت ، شاید بشود گفت « حشرات الارض » .

ادیب نویست! هر گاه برای نوپردازی و شعر باصطلاح نو بخوایم
مصدقی بیاوریم باید اشعار وحید، بهار، ایرج و عارف را نام برد، برای اینکه مطلب
اشعارشان کاملاً تازه و نو است، در عین حال از اصول و قواعد ادب بیرون
رفته‌اند، نجاتی که حقاً از شاعران خوب خوش نام معاصر است، یکی از
پرورده‌های مکتب وحید دستگردی است، خلاصه راه و رسم شعر و شاعری
را در قصیده‌ای چنین گوید:

ما بجمع نکته سنجان گر سخن خواهیم گفت

نکته‌های نو با سلوب کهن خواهیم گفت

چرا نکته‌های نو را با سلوب کهن خواهند گفت؟!؟

نظامی با همه زهد و تقوی و پای بند با اصول اسلامی دارای تعصب
شدید وطنی و ایران پرستی و زردشت دوستی بوده و بهمین مناسبت
افسانه خسرو و شیرین و هفت پیکر را منظوم و در طی این دو افسانه
عظمت و بزرگی ایران و ایرانیان را بعالم آشکار و مدلل ساخته
است. مسلمانان قشری آنزمان بر اثر ساختن این افسانه‌ها و زنده
کردن رسوم و آثار کیان و ساسان از دوست و دشمن در مقام
نکوهش و سرزنش او برآمده و البته نسبت کفر و زندقه چنانکه رسم
این طایفه است نیز باو میداده‌اند.

(گنجینه گنجوی)